

کافه خاطره صبا؛ گفت‌وگو با ابراهیم وحیدزاده به مناسبت روز ملی سینما

# نگفتم فیلمت خوب است تا پدرم



احمد محمد اسماعیلی  
گفت‌وگو

خوش ریتم و موقر و سنگین توانست برای مخاطبان سینما در دهه‌های شصت و هفتاد فیلم‌های ماندگاری مثل تحفه‌ها، مجسمه و عشق فیلم را به یادگار بگذارد. عشق فیلم، معادله، شام عروسی، تاکسی نارنجی و عروسک از جمله دیگر آثار او است. وحیدزاده همچنین تا کنون نمایشنامه‌های تاج، پیاده هفتم، شمعدانی، چشمها، کدام قله کدام اوج، اسیر، جایزه و سیمرغ را روی صحنه برده است. با ابراهیم وحیدزاده به مناسبت ۲۱ شهریور، روز ملی سینما گپ و گفتی داشته و در کوچه تاریخ حدود ۶۰ ساله سینمای او خاطره بازی کرده‌ایم.

**اولین خاطره‌ای که از سینما رفتن دارید مربوط به چه دورانی است؟**

پدرم در مشهد در دهه سی مغازه گلدوزی داشت و من بچه اول خانواده بودم و همراه او از صبح تا شب در مغازه بودم و شبها برای تفریح کردن به سینما می‌رفت و من را با خودش می‌برد و هر شب فیلم می‌دیدیم و به تدریج عشق من به سینما شکل گرفت. در دوران دبستان بچه‌های همسایه را دور هم جمع می‌کردم و برایشان فیلم تعریف و بازی می‌کردم.

**بیشتر فیلمهای کدام کشور را دوست داشتید؟**

فیلم آمریکایی و ایرانی را بیشتر دوست داشتم.

**اولین فیلمی که مستقل دیدید چه فیلمی بود؟**

اولین فیلمی که با پول خودم بلیط خریدم و دیدم فیلم پسر بچه چاپلین بود.

**از چه سنی سینما برایتان جدی شد؟**

اولش عاشق بازیگری بودم و در سال سوم دبیرستان متوجه شدم در تهران هنرستان هنرپیشگی با حضور (عنایت شببانی و اصغر گرمسیری) افتتاح شده است و از پدرم درخواست کردم من را به این هنرستان بفرستد.

**اهل خرید مجلات سینمایی و جمع کردن عکس هنر پیشه‌ها بودید؟**

یکی از سالهای آن دوران نصرالله وحدت برای افتتاح فیلمش به مشهد آمده بود و من رفتم مغازه عکاسی‌ای که یکی از عکس‌های وحدت را در ویتربینش زده بود. آن را خریدم و شب بردمش سینمایی که وحدت آمده بود و دادم برایم امضا کند. این عکس امضا شده مثل یک سند افتخار برایم بود و به همه نشان می‌دادم.

**بیشتر فیلم‌های کدام کارگردان ایرانی را دنبال می‌کردید؟**

آن سالها فیلم‌های ساموئل خاچیکیان تو بورس بود و همیشه فیلمهایش را دنبال می‌کردم.

**هنر پیشه مورد علاقه تان چه کسی بود؟**

شهین، آرمان و فردین که تازه چهره شده بود. از میان بازیگران خارجی هم گریگوری پک و سوفیالورن را دوست داشتم.

**فیلم هندی باز هم بودید؟**

با فیلم هندی حال نمی‌کردم.

**سینمای مصر چطور؟**

سینمای مصر هنر پیشه مطرحی به نام اسماعیل یاسین داشت که کم‌دین محبوبی بود و فیلمهایش را دوست داشتم.

**آیا از دوستان در مشهد کسی نامدار شد؟**

تئاتری بود به نام «گلشن» که توسط آقای خدیبی اداره می‌شد و بسیار موفق بود.

**رشته تحصیلی تان چه بود؟**

ریاضی. البته علاقه‌ای نداشتم و اصرار پدرم باعث شد در این رشته تحصیل کنم.

**بعد از دیپلم آمدید تهران؟**

سال ۱۳۴۲ آمدم منزل عمویم تهران و تصور می‌کردم که هر کسی برود آلمان و بنز بخرد و بیاید ایران بفرود پلدار می‌شود. البته من آلمان رانه برای پول در آوردن بلکه برای رفتن به آمریکا برای تحصیل دوست داشتم. دو ترم رفتم انستیتو گوته و آلمانی خواندم. یکی از همسایگان عمویم که کارمند وزارت فرهنگ و هنر بود و از علاقه من به نصرت کریمی به واسطه بردن جایزه فیلمش از یک جشنواره معتبر خارجی خبر داشت و برایم مایه مباحث بود که کریمی این جایزه را برده بود، به من گفت که کریمی کارمند وزارت فرهنگ و هنر شده و دوست داری بیای او را ببینی؟ با خوشحالی رفتم ایشان را دیدم و موقعی که از علاقه من به سینما خبردار شد گفت قرار است دانشکده هنرهای دراماتیک راه‌اندازی کنیم بیامتحان بده و تحصیل کن و قید آلمان رفتن را زدم و کنکور دادم و قبول شدم.

**در اول گفت‌وگو اشاره کردید که به بازیگری علاقه داشتید به چه دلیل در فیلمهای خودتان در آن زمان بازی نکردید؟**

در دانشکده کارگردانی خواندم و تمایلی به بازیگری نداشتم. روزی حمید سمندریان به من گفت که اولش می‌خواست بازیگر بشود و موقعی که نمایشنامه را می‌خوانده در ذهنم تصور می‌کنم که باید همه نقش‌ها را خودم بازی کنم. چون نمی‌توانستم همه نقش‌ها را بازی کنم بهتر است فقط کارگردانی کنم و سایرین بیانند بازی کنند. من هم این رویه را دنبال کردم.

**دستیاری ملاپور در فیلم «شوهر آهو خانم» برایتان چه دست آوردهایی به همراه داشت؟**

یکی دو تا از کارگردان‌های فیلمفارسی مثل نظام فاطمی آمده بودند پشت صحنه و کار من را دیده بودند و صحبت کردند که با آنها کار کنم که شرایط فراهم نشد. آن زمان دستیاری کارگردان یک نفر بود و باید اغلب کارهای تولید را انجام می‌داد.

**از هم دوره‌های شما در دانشکده کدامیک آدم‌های معروفی بودند؟**

من سال اول ورودی دانشکده بودم و با هوشنگ بهشتی، علی حاتمی، سعید نیک پور، رکن الدین خسروی و محمد علی کشاورز هم‌دوره بودم.

**هوشنگ بهشتی سن و سال زیادی در آن سالها داشت؟**

یک سری برای اینکه تبه شغلی و حقوقیشان با لیسانس گرفتن بالاتر بیاید می‌آمدند دانشگاه.

**عاقبت ساخت تنگسیر چه شد؟**

بعد از موافقت چوبک، رفتم خانه‌شان و ابراهیم گلستان هم آنجا بود. چوبک می‌خواست نفر سومی که خبره باشد در جلسه حضور داشته باشد. گلستان یادش آمد که فیلم من را دیده و گفت آن موقع

**آیا با فرخ غفاری و ابراهیم گلستان هم رفت و آمدی داشتید؟**

بله، کارهایشان را دنبال می‌کردم. در کانون فیلم وزارت فرهنگ و هنر آثار گلستان به نمایش در می‌آمد و او را می‌دیدم. فرخ غفاری هم موقعی که من کارمند تلویزیون شدم معاون رضا قطبی بود و با ایشان ارتباط داشتم. فیلم پایان نامه‌ام را برای دیدن پیش ابراهیم گلستان بردم. همسر گلستان در حوالی دانشکده، موسسه خبریه‌ای را مدیریت می‌کرد و فیلم «چشم‌هایش» را که ساخته بودم از طریق ایشان به دست گلستان رساندم و فیلم را دیدند و تلفن زد که بیا فیلمت را ببر و رفتیم و راجع به فیلم مدتی با ایشان حرف زدیم.

**آیا از گلستان نخواستید که در فیلمهایش دستیارش باشد؟**

جرات اینکار را نداشتم. در سال ۵۱ کتاب «تنگسیر» چوبک را فیلمنامه کردم و هنوز نادری فیلم تنگسیر را نساخته بود و نسخه فیلم را پهلوی چوبک بردم و از ایشان اجازه ساخت خواستم و گفت سفر امریکا در پیش دارد و فیلمنامه را با خودش برد و گفت خبر می‌دهد. یک سالی گذشت و آمد تهران و رفتم منزلشان و چوبک گفت فیلمنامه خوبی است. بعدش برای اینکه من را محک بزنند. فیلم‌های کوتاهی را که ساخته بودم دید.

**فیلمها را در سینمای جوان ساخته بودید؟**

نه، در فیلم «شوهر آهو خانم» دستیاری داود ملاپور بودم و دستمزدی برای کارم نگرفتم. موقع ساخت فیلم پایان‌نامه ملاپور به من ۶ حلقه نگاتیو فیلم و دوربین فیلمبرداری داد تا فیلمم را بسازم.

**حتما از بچه‌های دانشکده به عنوان بازیگر در فیلمتان استفاده کردید؟**

بله، بهمن مفید، ناصر رحمانی نژاد و چند تای دیگر.